

A historical look at the growth factors of Islamic civilization

Prof. Syed Mira Ahmad "Sirat"

Kabul Education University

Abstract

Islamic civilization and its development and decline are important issues. That need to be researched and pay more attention ,because it is one of the most important issues ,we are facing in the civilization of Islamic history and the questions are raising as the which factors have contributed to the progress of Islamic civilization and which factors have led to its decline .

The civilization of Islam reached its most brilliant spell in rang of 900 to 1200 years. From this time on , the coincidence of the devastating Mogul invasions Islamic civilization produce much exotic effects ,the civilization of Islam at its height was the most beautiful and pleasing civilization in the world.

Only China with the Islamic world had mad extensive trade and partly intellectual contact could compete with Islamic civilization. But in the end the hypocrisy and lack of intellectual healing, it mad this civilization unable to compete with the new civilization and eventually worsened.

نگاهی تاریخی به عوامل رشد تمدن اسلامی

پوهندوی سید میراحمد «سیرت»

استاد پوهنتون تعلیم و تربیه کابل

چکیده

تمدن اسلامی و پیشرفت و انحطاط آن از مسایل مهم است که نیاز است در این مورد تحقیق و توجه بیشتر صورت گیرد، زیرا یکی از مسایل مهم که در تاریخ تمدن اسلامی با آن روبه رو هستیم و سوالات در این زمینه مطرح می شود این است که کدام عوامل باعث پیشرفت تمدن اسلامی در سطح جهان گردید.

هدف از این تحقیق در حقیقت جستجو برای دریافت علل صعود و رشد تمدن اسلامی است که برای جامعه متمدن و پرسشگر امروز یک نیاز جدی شمرده می شود

روش تحقیق در این مقاله ی تحقیقی- علمی پیرامون نگاه تاریخی به فراز و فرود تمدن اسلامی روش تحلیلی-توضیفی و اسنادی می باشد. در تحقیق اسنادی و کتابخانه بی جهت جمع آوری اطلاعات از کتب و مقالات معتبر استفاده صورت گرفته است.

تمدن اسلام حدوداً بین سالهای 900-1200 م به درخشانترین دوره شکوفایی خود رسید. از این زمان به بعد که مقارن تهاجمات ویرانگری مغول است، تمدن اسلامی آثار بدیع و چندانی پدید نیاورد. تمدن اسلام در اوج خود زیباترین و نوآورترین تمدن دنیا بود و تنها چین، که دنیای اسلام با آن تجارت گسترده و تا حدی هم تماسهای فکری برقرار کرده بود می توانست با تمدن اسلام رقابت کند.

مفاهیم کلیدی: تمدن اسلامی، پیشرفت، انحطاط، دین داری

مقدمه

اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی اساس یک تمدن جدید را در جهان بنا نهاد. دین اسلام نه تنها به معنویت توجه داشته بلکه به مادیت نیز توجه کرده است، از نمونه های آن به شهر سازی، تمدن سازی و به مسایل تکنالوژی توجه ژرف نموده است، مثلاً اولین اقدام حضرت محمد (ص) ساختن مسجد بود که نمایانگر آن است که مسلمانان در ساختن بناها توجه خوب دارد، شهر مدینه را اساس گذاری نمود، به مردم امر آموختن، نوشتن و حساب کردن را داد. اما این که چگونه در یکی از مقاطع تاریخی این تمدن رشد کرد، به اوج رسید و توانست تأثیراتی را در جهان بگذارد این همه سوالات یکایک در این مقاله مورد بحث قرار گرفته شده است.

در قرن های ده الی قرن سیزدهم میلادی مسلمانان توانستند از لحاظ تجارت و روابط با ملت های دیگر جهان تأثیرگذاری بزرگ در جهان داشته باشد، همین طور اوج هنر و فرهنگ و هم چنان ترجمه را ما در زمانی عباسی ها داریم بنا در همین زمان است که تمدن اسلامی با توجه به نقش حاکمان عباسی و وزرای دانشمندان آن ها در سطح بلند شکوفایی قرار می گیرد.

طرح و مبانی مسئله

پیدایش تمدن اسلامی با روح و مظاهرش و تأسیس حکومت اسلامی با شکل و نظام خاص خود، در سده‌ی نخست هجرت محمد(ص) فصلی نو در تاریخ ادیان و اخلاق و پدیده‌ی جدیدی در جهان سیاست و اجتماع بود؛ زیرا با پیدایش آن جریان تمدن دگرگون شد و جهان به سمت و سویی جدید روی آورد. هرچند همواره این پیامبران بوده‌اند که به دعوت اسلامی پرداخته‌اند، مبشران آن را تبلیغ می‌کرده‌اند و مخلصان و پا کدلان در راه آن به جهاد می‌پرداخته‌اند، اما اساس یک تمدن جدید که از ایجاد نخستین دولت اسلامی و قدرت‌گیری این جریان آغاز می‌شود در طول تاریخ توانست به عنوان یک تمدن شکوفا در سطح جهانی ظهور نماید اما پس از مدتی سیر نزولی این تمدن آغاز گردید و شکوفایی آن از دست رفت. (آدلر، 1384، 65)

بدون تردید اسلام به عنوان دعوتی دینی و روحی بود که ناگهان به صورت راه نجات و سعادت روح و ماده، حیات و قدرت، تمدن و جامعه، حکومت و سیاست درآمد. دینی معقول و گوارا و سراسر با حکومت و شفافیت در برابر خرافات، خیالات و افسانه‌ها؛ قانون الهی و وحی آسمانی در برابر سنجش‌ها و تجربیات بشری؛ تمدنی آرمانی، محکم و استوار که روح تقوا، عفت و امانت بر آن حاکم است و اخلاق والا در آن بیشتر ارزش دارد تا مال و منال و روح برتر از مظاهر پوچ است. مردم با هم برابر‌اند و جز به تقوا از یکدیگر برتری ندارند. مردمان به آخرت اهتمام می‌ورزند و در نتیجه قلب‌ها خاشع و جان‌ها آرام‌اند. رقابت در فراهم کردن اسباب و کالای زندگی رو به کاهش است و از کینه و عداوت کاسته است. این‌ها همه در برابری مدنی است جنجال بر انگیز و مضطرب، درگیر در شرف نابودی، که در آن بزرگ به کوچک ستم می‌کند. قوی حق ضعیف را پایمال می‌کند. در فسق و فجور، مال و منال و اسباب رفا و آسایش با یک دیگر رقابت می‌کنند، تا جایکه تاریخ دنیا سرشار از جنگ‌های متوالی است و تمدن برای مردم تبدیل به دوزخ شده است (بیات، 1387، 32).

دردوره فرمانروایی عباسیان، امپراتوری اسلامی وارد عصر طلایی درخشانی شد که در آن فرهنگ اسلامی سه قاره را در نورید. این دوره شکوفایی علم و ریاضیات، هنر و معماری، ادبیات و فلسفه بود. دستاورد های دانشوران و دانشمندان مسلمان در این دوره تأثیری پایدار بر تمدن غربی باقی گذاشت (دان، 1378، 137).

فتوحات مسلمانان منطقه‌ای وسیع و یکپارچه پدید آورد مرزهای که حدود یک هزار سال بسته بود به روی بازرگانان و مسافران گشوده شد. و مردم از سراسر امپراتوری به سوی بغداد پایتخت تابناک اسلام کشیده شدند (شیرازی، 1387، 512).

تمدن باشکوه اسلامی در اواخر قرن 19 و حکمروایی شاهان که از خرد و عقلانیت سیاسی بهره‌چندان نداشتند در نهایت رو به زوال نهاد و متأسفانه تا امروز هیچگونه کوششی برای احیای آن در کشورهای اسلامی صورت نگرفته است. (ندوی، 1387، 54).

اهمیت و ضرورت تحقیق

تحقیق در مورد نگاهی تاریخی به عوامل رشد تمدن اسلامی که امروزه یکی از ضرورت‌های مهم جامعه امروزی ما است، نیازمند توجه بیشتر در این حوزه است و لازم است محققین در مورد چگونگی نهادینه‌سازی این میراث ارزشمند بیشتر از همه تلاش نمایند

جامعه امروزی ما که بیشتر از همه کشورها دچار افت تمدن و خودباوری شده و باتوجه به اینکه این جامعه در همه ابعاد یک جامعه دین مدار است لازم است توجه بیشتر در مورد این که تمدن اسلامی چگونه به عصر طلایی خود رسید و چه عواملی باعث فراگیری آن گردید معلومات حاصل نمایند، لذا تحقیق در این مورد در جامعه دین مدار ما از اهمیت بالایی برخوردار است.

اهداف تحقیق

مهم ترین اهداف این مقاله‌ی علمی تحقیقی؛ دریافت عوامل فراز و فرود تمدن اسلامی است

1. شناسایی عوامل موثر در رشد تمدن اسلامی

2. شناسایی عوامل فراگیری تمدن اسلامی در سطح جهان

سوال اصلی تحقیق

1. کدام عوامل در رشد تمدن اسلامی موثر بود؟

سوالات فرعی تحقیق

1. تمدن اسلامی چگونه توانست به عنوان یک تمدن مطرح در سطح جهان ظهور نماید؟

2. مهم ترین عوامل در رشد و پویایی تمدن اسلامی چه بود؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله‌ی تحقیق علمی پیرامون نگاهی تاریخی به فراز و فرود تمدن اسلامی روش تحلیلی-توصیفی می باشد. در این تحقیق که به شکل اسنادی و کتابخانه‌ی بی از منابع معتبر استفاده شده و جهت جمع آوری اطلاعات از کتب و مقالات و منابع استفاده گردیده که از نهاد های معبر علمی در کشور منتشر شده است.

پیشینه تحقیق

زام رهبری اسلامی و بالتبع (در نتیجه) رهبری جهان به دست افرادی بود که هر کدام در نوع خود از نظر ایمان و عقیده، عمل و اخلاق، تربیت و تزکیه، کمال و اعتدال بودند.

اگر در مورد زندگی این بزرگان تحقیق گردد، در سیرت و اخلاقتشان موردی از جاهلیت که منافای با روح اسلام و شخصیت اسلامی باشد، نمی یافت و اگر اسلام به صورت انسان در می آمد، ناگزیر به شکل یکی از آنان ظهور می کرد. همان گونه که قبلاً بیان کردیم، آنان نمونه هایی کامل از جمع دین و دنیا بودند. از یک سو امامانی بودند که با مردم نماز می گزاردند و از آن سو قضیانی بودند که در دعاوی مردم با عدل و علم قضاوت می نمودند. امانتدارانی بودند به اموال و دارایی های مسلمانان، فرمانده هانی بودند که همیشه عدالت را در نظر می گرفتند و به همه مقام انسانیت قایل بودند (غفاری فرد، 1387، 98).

در فاصله میان سالهای 900- 1200 م در این زمان دنیای اسلام از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام گسترده بود و بازارگانان مسلمان در تمام قاره ها و تمام دریاهایی که تا آن زمان مردم در عالم می شناختند رفت آمد می کردند. اسلام جای دقیق هر کس را در جامعه، بدون برقراری محدودیت سخت برای آزادی و تحرک، معین کرده. مؤمنان مسلمان بدون ممانعت در تمام کمربند عظیم مسکون در دو طرف خط استوا از اسپاینا گرفته تا فلپین رفت آمد می کردند. مسافران به سرزمین های دور دست می رفتند و به یقین می دانستند در آن سرزمین های دور با استقبال همدینان خود روبه رو میشوند و از قانون، گرایشها، زبان ادبی و مفاهیم یکسانی از عدالت و حقیقت برخوردار میشوند که در وطن خود با آن خو گرفته بودند. (عمر و 1387، 45).

شهرهای دنیای اسلام باشکوه و منزه بود. قرطبه اسپانیا در سده دهم میلادی قریب یک میلیون نفر جمعیت داشته. طبقه حاکمه آن از مسلمانان اهل بربر افریقای شمالی بودند؛ اما بسیاری از یهودیان و مسیحیان نیز در آنجا سکونت می کردند. هرچیزی که در شرق با غرب تولید می شد در بازار های قرطبه موجود بود. این موضوع در مورد بغداد هم صدق میکرد که جمعیت آن حتی از قرطبه بیشتر بود و در سده نهم میلادی. در زمان هارون الرشید و جانشینانش، صاحب مجل ترین دربار دنیای اسلام بود. (غفاری فرد، 1387، 98).

در دنیای اسلام مخصوصاً بزرگانی کاملاً تکامل پیدا کرد؛ و تایید قرآن کریم در حفظ شرافت و تجارت شان عموماً عدالت را رعایت میکردند، مسلمانان مؤمن عیبی در کسب ثروت نمی دیدند و برخلاف مسیحیان و بوداییان، انسان دولتمند را شایسته برکات خداوند و لایق زندگی مرفه می شمرد. اما ثروتمندان وظیفه داشتند فقیران را از ثروت خود بهره مند، کند. بیشتر مدارس و بیمارستان ها و یتیم خانه ها و نظایر آن در مناطق مسلمان نیشن حتی امروز هم به نشانه های خیرات و موقوفات شخصی هستند. و بنیاد های به شمار میروند که از طریق و هدیه های مردم تاسیس شده اند؛ این قبیل مؤسسات از طریق وصیت در بین مسلمانان بسیار مروج دارد (ندوی، 1387، 56).

جامعه در عصر طلایی

تغیراتی که عباسیان پدید آوردند نه فکری بلکه اجتماعی هم بود. امویان الگوی جامعه قبیله ای عربستان را حفظ کرده بودند. خلفای اموی با زنان عرب ازدواج می کردند، در نتیجه، فرزندان و جانشینان شان عرب بودند. اما عباسیان را غیر عرب ها (عجم ها) به قدرت رسانده بودند و خلفای عباسی بر حفظ خلوص عربی دودمانشان چندان پافشاری نمی کردند. خلفا اغلب با خارجیان ازدواج می کردند. یا زنان صغیه ای، کنیزان و فرزند داشتند. این فرزندان نه تنها از ارث محروم نمی شدند بلکه اغلب در سلطنت جانشین پدران شان می شدند. بدین ترتیب، اشرافیت عرب به زودی جای خود را به بلند پایگانی داد که به تمایزات قومی اهمیت چندانی نمی دادند. چنان که تاریخدان جی. ای. فون گرونه با نوم توضیح می دهد (ادلر، 1384: 65).

تفاوت بین عرب و عجم اهمیت خود را از دست داد همه مؤمنان با فرمانروا فاصله یکسانی پیدا کردند. و فرمانروا مثل یک خدایگان حکومت و دین را از فراز اتباعش سرپرستی می کرد. این تغیر در موقعیت خلیفه به پیوندهای پیشین او به اشرافیت عرب نیز پایان داد.

هیچ کس در شان و مقام عباسیان نبود؛ به همین دلیل آن ها تنها با کنیزان ازدواج می کردند؛ پس از سال 800 میلادی حتی یک خلیفه نبود که از مادری آزاد متولد شده باشد. آنچه امپراتوری را یکپارچه نگه می داشت دیگر نه «ملت عرب» یا اعراب در مقام رهبری، بلکه دودمانی بود که به وحدت اسلامی، و در نهایت به خود اسلام، یاری می رساند (غفاری فرد، 1387، 98).

بدیهی است که این دوران طلایی با سیرت و منشا افرادی تحقق یافت که زمام امور را به دست گرفته بودند و بر تمدن اشراف و نظارت داشتند. عقیده، تربیت و روشی که در حکومت و سیاست شان برگزیده بودند، نیز در تحقق این مقوله نقش داشت. آنان دین و اخلاق والای داشتند و در هر مکانی که قدم می گذاشتند، پاکدامن، امین، و فروتن بودند؛ چه در هنگام زمامداری و چه در هنگام فرمانبرداری. یکی از بزرگان روم سپاه مسلمانان را این گونه توصیف کرده است: «شب ها را زنده، میدارند روزها روزه می گرفتند، به عهد شان وفا میکند، امر به معروف نهی از منکر می نماید و انصاف را در بین یکدیگر اجرا میکنند» (بیات، 1387: 56).

دیگری گفته است: «شهبسواران روز و زنده داران شب اند، جز با پرداخت قیمت چیزی نمی خورند بدون سلام بر یکدیگر وارد نمی شوند و کسانی را که به آنان سر جنگ دارند، ریشه کن می کنند».

سپاهیان اسلام تاج و تخت کسری را که صدها هزار دنیا ارزش داشت به غنمیت می گیرند، اما مورد هیچ دستبرد قرار نمی گیرد و هیچ کس به طمع به چنگ آوردن نمی افتد آن را به امیر می سپارند، (ازکی مردمان را به برده خویش ساخته اید، در حالیکه از مادرانشان آزاد به دنیا آمده اند) «سخن عمر بن الخطاب» آنان از نشر دین، علم و تهذیبی که در اختیار داشتند

به هیچ کس دریغ ننمودند که تمام شهرها و بندگان خدا خویش، رنگ، نژاد و وطن را در نظر نگرفتند، بلکه به سان ابری بودند که تمام شهرها و بندگان خدا را تحت پوشش داشت و بر هر دشت و دمن و فراز و فرد بارید و همگی را بهره مند نمود (شیرازی، 671386).

درسایه چنین انسان ها و در پرتو زمامداران این گونه افرادی بود، که ملت ها و جوامع مختلف – حتی ملت ها تحت ستم در زمان قدیم – به بهره‌ای از دین، علم، تهذیب و حکومت دست یابند و با عرب ها در ساختن جهانی جدید، شریک شوند. حتی افراد زیادی از آنان از عرب ها نیز برتری یافتند و آنان امامانی در جمع فقیهان و محدثان ظهور کردند، که نه تنها سرتاج عرب ها بودند، بلکه بر سایر مسلمانان سروری داشتند. تا آنجا که ابن خلدون می گویند: «شگفت اینجاست که در اسلام، اکثر حاملان علم، اعم از علوم شرعی و علم عقلی، اجمعی ها هستند، به جز شماری اندک، و اگر بالفرض هم از لحاظ زبان، تربیت و استادان، اعجم اند. این در حالی است که اصل آیین، عربی است و صاحب شریعت نیز عرب است. (غفاری فرد، 98، 1387)

سوم؛ آنان خدمتگزاران نژادی خاص و نماینده گان ملت و میهنی مخصوص نبودند که صرفاً به تأمین رفاه و مصلحت آن نژاد و وطن بیاندیشند و آنان را بر سایر نژادها و سرزمین ها ترجیح دهند و حاکمیت را از آن ها بدانند و محکومیت را از آن دیگران. آنان قیام نکرده بودند تا به تأسیس امپراتوری عربی بپردازند که در سایه آن به عیش و نوش و خوش گذرانی برسند و با حمایت به فخر و غرور دست یابند و بدین طریق مردمان را از سلطه ایران و روم بیرون بکشند و تحت سلطه خویش (سلطه عرب ها) در آورند. به پا برخواستند تا انسان ها را از عبادت بندگان به عبادت خدای یگانه در آورند. چنانچه ربیع بن عامر، نماینده ی مسلمانان در مجلس یزدگرد گفت: «خداوند ما را مبعوث کرده، تا مردمان را از عبادت بندگان، به خدای یگانه و از تنگنای دنیا به فراختای آن و از جور ادیان به عدالت اسلام در آوریم» (شیرازی، 67، 1386)

اگر گروهی زمام امور را به دست گیرند که جز پرستش مادیات و لذت ها و منافع محسوس هم و غمی ندارند و جز به این زندگی و آن چی محسوس است به چیزی دیگر ایمان ندارند مسلم است که طبیعت، مبادی و تمایلات آن در وضع و شکل گیری تمدن تأثیر میگذارد و تمدن مزبور را بررنگ و قالب خویش در می آورد. اینجا است که ابعاد از زندگی انسان تکامل می یابد مهم تر، مختل می شود (دان، 67، 1387)

یافته های تحقیق

1. تمدن اسلام و تأثیر آن در جهت گیری بشر

تأثیرات این تحول بس چشمگیری بود. قبل از این در زمان غربت اسلام و دوره جاهلیت، پیمودن را خدا سخت دشوار، توان فرسا و خطرناک بود و انسان به سختی می توانست در محیط جاهلی خدایش را بندگی کند، اما اکنون در محیط اسلامی به سختی می تواند نافرمانی خدا را انجام دهد.

2. اندیشه

افکار و سرشت مردمان خواسته و ناخواسته تغییر میکرد و از اسلام اثر می پذیرفت؛ درست همان گونه که معمولاً طبیعت انسان و نبات در بهاران تغییر میکند. قلب های عاصی و خشک، نرم و قانع شدند. مبادی اسلام حقایقش در اعماق دل ها نفوذ کرد و درون انسان جای گرفت. ارزش اشیا در چشم مردمان تغییر کرد، معیارهای قدیم متحول گردید و معیار های جدید جانشین شان شد. از این پس جاهلیت حرکتی ارتجاعی محسوب میشد که محافظت بر آن نوعی جمود و کودنی بود. اسلام پدیده عصری و پیشرفته به شمار می آمد که انتساب به آن و پذیرفتن مظاهرش نوعی هوشیاری و زیرکی شمرده میشد. ملت ها و بلکه جهان رفته رفته داشت به اسلام نزدیک می شد؛ اما همان گونه که ساکنان کره زمین چرخش زمین را احساس نمی کنند، جهان نیز حرکتش را به سوی اسلام احساس نمی کرد. این حرکت به سوی اسلام در فلسفه و تمدن و دین شان به چشم می خورد. درون و

وجدانش همین موضوع را می نمایاند و حتی جنبش اصلاحی که پس از انحطاط مسلمانان به آن روی آوردند، حاکی از همین تأثیرات است.

3. تفکر

همین طور تأثیر تفکر اسلامی را در اخلاق ملت ها و قوانین موجود در اروپای مسیحی و هند بت پرست بعد فتوحات اسلامی، در گرایش های توحیدی، احترام به زن و حقوق آن، پذیرفتن اصل مساوات بین طبقات بشری که از امتیازات اسلام و شریعت غزای آن است، در تمام عرصه ها به کار بردند.

عباسی ها در امور حکومتی اعمال نفوذ قابل ملاحظه ای داشت. حتی گزارش هایی از شرکت زنان جوان عرب در جنگ و فرماندهی واحدها، سرودن شعر، و نواختن موسیقی و آواز خوانی آن ها در موقیعت های اجتماعی وجود دارد.

این چنین بود که در ادوار تاریخ هیچ دوره را کامل تر و شکوفاتر در تمام ابعاد، از دوره سراغ نداریم. (دوران خلافت راشد)، دورانی است که قدرت روح و اخلاق، دین و علم و تجهیزات مادی برای تربیت انسان و ظهور تمدن صالح، دست به دست هم دادند. حکومتی پدید آمد از بزرگ ترین حکومت های جهان، و قدرتی سیاسی و مادی شکل گرفت که از تمام قدرت های آن زمان برتر بود. آرمان های والای اخلاقی بر آن حاکم بود و در زندگی مردم و سیستم حکومتی، معیار های فضیلت و اخلاق مورد توجه قرار داشت. اخلاق و فضیلت همزمان با صنعت و تجارت در حال رشد و شکوفایی بود.

اما بدون اینکه بیگانگان پی ببرند، این قدرت بزرگ داشت ضعیف میشد، تا اینکه سرانجام در قرن هفتم شوکت مسلمانان در هم شکست و هنگامیکه مغولان حکومت خوارزمشاه، آخرین امپراطور اسلامی را ویران نمودند و بغداد به تصرف شان درآمد، شیخ خوفناک از بین رفت و مترسک به زمین افتاد. آنگاه بود که پرندگان و درندگان برگشت و زراعت هجوم آوردند و مردمان علیه مسلمانان جسور و گستاخ شدند.

مغولان میراث مسلمانان را تصرف کردند و در زمامداری جانشن آنان شدند. برای نگون بختی و بیچارگی بشر و تباهی جهان همین بحث که رهبری جهان را ملتی نادان و وحشی و فاقد دین، دانش، فرهنگ و تمدن بدست گیرد

4. مراکز علمی

تا زمانی که فلسفه متکلمان در دنیا حاکم بود، علمای اسلام در ترکیه همواره به بهترین نحو وظیفه‌ی شان را انجام می‌دادند. مدرسه‌ی سلیمانیه و مدرسه فاتح دو مرکز مهم علوم و فنون موجود در آن زمان بود؛ اما زمانی که غرب از بند فلسفه‌ی الهی و مباحث دینی و کلامی خود را رها ساخت و اساس علوم جدی و حکمت نوین را گذاشت، انقلابی در دنیا پدید آورد که علما توان انجام و وظیفه‌ی تعلیم. برآوردن نیاز دانش آموزان را نداشتند. این دسته از علما اعتقاد داشتند که همان علمی که در قرن سیزدهم میلادی بود، همواره در جای خویش باقی است. جلوتر نرفته است. این ذهنیت اشتباه، در سیستم تعلیمی آنان تا قرن نوزدهم میلادی ادامه داشت.

نتیجه گیری

خداوند (ج) در مراحل مختلف و در زمان‌های اساس پیامبران را مبعوث نمود تا انسان‌های گمراه را به راه راست دعوت نماید و آن‌ها را به یکتا پرستی سوق دهد، از جمله پیامبران خداوند (ج) آخرین و بزرگترین آن حضرت محمد (ص) میباشد، آن بزرگوار آمد انسان‌ها را به خوبی‌ها، اخلاق نیکو، انسان دوستی، مهر و محبت، خدا پرستی دعوت کرد، و برادری و برابری را در میان انسان‌ها به وجود آورد.

آری! وی نفاق را از میان افراد برداشت، بعد از وفات خود ستاره‌های بزرگ و اجلال را به میراث گذاشت و تمدن عالی که از تمام ابعاد کامل و مکمل بود باقی گذاشت، آن ستاره‌ها راه آن بزرگوار را بیدون کدام کمی و کاستی ادمه دادند، که تا به امروز دوام دارد.

اما متأسفانه رفته رفته مریی‌گیری اسلام به دست اشخاص کم عقل و سخیف افتاد، اینجاست که جهان دشمن قوی شد و کشورهای اسلامی را به دیده بد نگریسته خواستند که تمام اموال و داری اسلام را به یغما برده و چپاول نمایند. و یکبار دیگر کینه‌های دیرینه‌شان را نشان دادند که هیچگاه یهود و نصار (لشکر شیطان) دوست مسلمانان نمی‌شود.

مسلمانان قرن‌های بسیار در روی زمین خلافت نمودند، دنیا را به سوی ترقی کشاند و جهان تاریک را به علم و فرهنگ عالی اسلامی تابان کرد، طرز زندگی کردن شهری را به همه آموخت و انسان‌ها را از گوشه نشینی به سوی هم زیستی سوق داد. این است مزایای حقیقی دین مبین اسلام.

- 1- قرآن کریم
- 2- آدلر، فلیب جی. (1384) ه.ق. تمدن عالم، ترجمه، محمدحسین آریا، تهران: ناشر، چاپخانه سپهر
- 3- اسمن، کارن. (1388) ه.ق. رنسانس ایتالیا، ترجمه، مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات، ققنوس
- 4- الحسن الندوی، ابوالحسن علی. (1388) ه.ق. کندوکاری در اوضاع و انحطاط مسلمانان، ترجمه، عبدالحلیم عثمانی، الزهر: ناشر، احسان
- 5- بکراش، دبورا. (1388) ه.ق. جنگ کریمه، ترجمه، آرش عزیزی، تهران: ناشر ققنوس
- 6- بلک، انتونی. (1365) ه.ق. تاریخ اندیشه سیاسی اسلام، ترجمه، محمد حسین وقار، تهران: انتشارات اطلاعات
- 7- بیات، عبدالرسول. (1387) ه.ش. فرهنگ واژه ها، تهران: ناشر موسسه اندیشه و فرهنگ دینی
- 8- تاییینی، محمدرضا حیدرزاده. (1380) ه.ق. تعامل دین و دولت در ترکیه، تهران: ناشر، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- 9- حسن ندوی، علامه سید ابوالحسن علی. (1387) ه.ق. خود را دریابید، مترجم، محمد قاسم، پشاور، صدف پلازه محله جنگی
- 10 - خالد، عمرو. (1388) ه.ش. دریغ از این مسلمانی، ترجمه محمد عزیز حسامی، کابل، ناشر: خیبر
- 11 - دان، جان ام. (1382) ه.ش. عصر روشنگری، ترجمه، مهدی حقیقت خواه، تهران: ناشر ققنوس
- 12- سید قطب. (1387) ه.ش. چرا اعدام کردند؟، ترجمه مصطفی اربابی، کابل: انتشارات میوند
- 13 - شیرازی، آیت الله العظمی سید محمد حسینی. (1423) ه.ق. دینا باز چه یهودی، ترجمه، سید هادی مدرسی، اصفهان: ناشر بینش آزدگان
- 14 - عمید، حسن. (1388) ه.ش. فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات، فرهنگ نما
- 15 - غبار، میر غلام محمد. (1388) ه.ق. افغانستان در مسیر تاریخ، پشاور: ناشر، خاورانترپرائزز
- 16 - غفاری فرد، عباسقلی. (1387). تاریخ اروپا از آغاز تا پایان قرن بیستم، تهران: ناشر اطلاعات تهران
- 17- کورزین، فیلیس. (1393). امپراتوری اسلامی، ترجمه محمدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس
- 18- کوشا، فهیم. (1393) ه.ش. مفاهیم و اصطلاحات، جوزحان: انتشارات، فریغونیان
- 19- محمد ابوریح. (1382) ه.ش. تاریخ زندگی و مبارزه سیاسی سید جمال‌الدین افغانی، ترجمه، اخوان قل تمنا، پشاور: انتشارات، ازهر
- 20- همیفر. (2011) میلادی. اعترافات جاسوس انگلیسو دشمنی انگلستان با اسلام، ترجمه، محمد صدیق گوموش، تهران: انتشارات، حقیقت خواه کتاب آوی